

در اوج از کشتی خدا حافظی می کنم

## سعید اسماعیلی: مردم وزنده شدم



### گفت‌وگو

محسن وظیفه  
روزنامه نگار

یکی از ستاره‌های بی چون و چرای دنیای کشتی در این روزها سعید اسماعیلی است. پدیده کم‌سن وسال ایران که حالا با یک طلای جهان و المپیک به یکی از بهترین‌های تاریخ کشتی فرنگی هم تبدیل شده است. جوانی که می‌توان روی مدال‌های طلای او تا سال‌ها حساب باز کرد. قهرمانی از استان قهرمان‌پرو خوزستان که در سال‌های اخیر قهرمانان زیادی را به دنیای کشتی معرفی کرده است. سعید اسماعیلی با ایران ورزشی در هشت هزارمین شماره‌اش گفت‌وگو کرد و از شرایط خاص و مهم این روزهایش گفت.

قبول داری که یکی از عجیب‌ترین ستاره‌های کشتی هستی؟ نه بابا چه عجیبی. کشتی ایران پر بوده از قهرمانان و دلاوران نامدار. بله ولی تو کسی بودی که شاید کمتر کسی توقع داشت به مدال طلای المپیک برسی. در حالی که اصلاً سابقه اعزاز به قهرمانی جهان را هم نداشتی. روزهای سختی را در آن مقطع گذراندم و تنها به امید اینکه بتوانم مدال طلای المپیک را کسب کنم، آن شرایط را تحمل کردم.

محرومیت هشت ماهه به خاطر دوپینگ؟ بله من سال آخر جوانانم بود که در بزرگسالان فیکس شدم. قرار بود به بازیهای آسیایی هانگزو اعزام شوم که خبر دوپینگ آمد و اتحادیه جهانی محروم کرد. اما هشت ماه بعد این محرومیت لغو شد. من یک قرص پزشکی برای بیماری

استفاده کرده بودم که ممنوع شده بود. اول گفتند که ۴ سال محروم شدی اما بعد خدا را شکر با کمک علیرضا دبیر این رای برگشت. ولی اینکه هشت ماهه در التهاب بودی اما برگشتی و به مدال طلا رسیدی خیلی عجیب بود. چون خیلی سخت است که یک قهرمان به دلیل دوپینگ به یکباره از اردو خارج شود و بعد بتواند برگردد. واقعا در آن روزها خیلی شرایط سختی داشتم. آن قدر به من بد گذشت که واقعا الانم یادم می‌افتد اذیتم می‌کند. مربیان و خانواده هر روز کنارم بودند که این شرایط را سپری کنم اما در کنار آنها اقوام و فامیل هم هر روز خانه‌ما بودند و قطعاً این رفتار خیلی تأثیر داشت که بتوانم خودم را جمع و جور کنم. از کار بزرگ فدراسیون

کشتی هم نمی‌توان به سادگی گذشت. اتفاق کم‌سابقه‌ای بود. فدراسیون کشتی و آقای دبیر واقعاً خیلی پیگیری کردند و توانستند اتحادیه جهانی را قانع کنند و البته آقای رنگرز هم خیلی از من حمایت کرد. علیرضا دبیر هر روز به من می‌گفت می‌دانم تو بی گناهی برای همین پای کار ایستادم تا بتوانم درستش کنم. خانواده شما چند نفره است؟ کسی هست که قبل از تو در این خانواده اهل کشتی باشد؟ ما خانواده ۵ نفره هستیم اما کسی را نداشتیم که اهل کشتی باشد. یادت هست که چطور شد وارد کشتی شدی؟

۹ سالم بود که کشتی را شروع کردم. کلاس سوم ابتدایی بودم، با چند تا از همکلاسی‌هایم رقتیم ثبت‌نام کردیم و از همان ۹ سالگی به‌طور مرتب باشگاه رفتم و روزبه‌روز علاقه‌ام بیشتر می‌شد. چرا این قدر خوزستان فرنگی کار دارد؟ فکر می‌کنم چون از قدیم در فرنگی خوب بوده دیگر کسی سمت آزاد نمی‌رود. به نظرم امتحان کنند شاید

در آزاد هم کشتی گیر خوب داشتیم. ولی دیگر کشتی فرنگی را بومی سازی کردیم. تقریباً همه قهرمانان ورزش روزهای سخت کم نداشتند. تو هم کم از این روزها ندیدی. نه، خیلی داشتم اما بدترین روزهای زندگیم فوت عزیزانم عمو و پسرعموی عزیزم و مادر بزرگم بود که هیچ وقت نمی‌توانم فراموش شان کنم. این قدری سخت بوده که حتی در بهترین روز زندگی ات هم به یاد عزیزانت بودی. بله، واقعاً قابل فراموش شدن نیست. بهترین روز زندگی من هم به خاطر مسیر سختی که طی کردم همان روزهایی بود که قهرمان المپیک شدم. تا کی می‌خواهی مدال آوری را ادامه بدهی؟

آرزوی من این است که سایه پدر و مادرم بالای سرم باشد. در کنار آنها روزهای خوبی را داشته باشم. تا زمانی که بتوانم مدال بگیرم در خدمت کشتی هستم ولی همیشه دوست داشتم که در اوج خدا حافظی کنم. یک مصاحبه از تو منتشر شده بود که مدال طلای المپیک را بگیرم، پولدار می‌شوم. شدی؟ تا الان مسئولان برای ما هیچ کاری نکردند و اگر جوابی یا پاداشی بوده از فدراسیون کشتی به ما رسیده است. ان شاء الله که مسئولان هم کاری برای این کشتی بکنند که دلسرد نشوند. یادم هست نوجوانان که بودم، گفتم قهرمان المپیک شوم پولدار می‌شوم و دست هر کسی که نیاز دارد را می‌گیرم و کمکش می‌کنم. اما الان نگاه تغییر کرده. البته پولی هم که نرسیده؟ خدا را شکر فدراسیون کشتی و علیرضا دبیر حواسش هست. خدا را شاهد می‌گیرم مردم آن قدر لطف دارند، آن قدر با برد ما خوشحال می‌شوند و یا با باخت ما گریه می‌کنند که اصلاً دیگر به پول فکر نمی‌کنم. مگر می‌شود محبت این مردم را جبران کرد؟ بدون اینکه منتهی بگذارند. خیلی از آنها اصلاً از نزدیک هم ما را ندیده‌اند اما به حدی از برد ما خوشحال می‌شوند که الان می‌فهمم دیگر پول برای من ارزشی ندارد. ارزش مدال به این است که همه خوشحال شوند. ان شاء الله که بتوانم این قهرمانی‌ها را تکرار کنم.

### یادداشت

مجید پرگو  
روزنامه نگار

### انگار همین دیروز بود...

شاید امروزی‌ها یادشان نباید و برایشان عجیب باشد که برای خریدن یک مجله یا روزنامه ورزشی باید صف می‌ایستادیم، یا هوای ده‌گه دار را می‌داشتیم که «اول صبح، نسخه‌ام را نکه دارد»! آن روزها، یک نسخه «روزنامه ورزشی» فقط خبر بود: عشق جمعی بود، شور ورزش ملی بود که در هر صفحه نفس می‌کشید. یادش بخیر! شاید برای خبرنگاران امروزی که از پشت میزشان تحلیل بازی را می‌نویسند، خیلی عجیب باشد که ما آن روزهای پیاده هر روز به ورزشگاه‌ها و محل تمرین تیم‌ها سر می‌کشیدیم و بعد هم با «بدبختی» مطالبان را به موقع به صفحه می‌رساندیم. تصور اینکه یک نفر در تحریریه بنشیند و تلفنی خبرها را بنویسد، یا عکاس برنامه برود و در لابراتوارهای سطح تهران عکس را چاپ کند تا به موقع برساند به روزنامه... الان شاید باورکردنی نباشد و شنیدنش چشم‌ها را کرکند! واسطه سال ۷۶ که تازه ایران ورزشی منتشر شده بود، به واسطه جمشید خان حمیدی وارد عرصه روزنامه‌نگاری ورزشی شدم و همیشه قدرانش هستم. جمشید خان، مرد متین و مهربان تحریریه، نه تنها چهره برجسته رسانه‌ای بود، بلکه کسی بود که با دید عمیق و اخلاق رسانه‌ای‌اش، راه را برای بسیاری مثل من هموار کرد. در کنارش، پرویزخان زاهدی! معلم اخلاق و راه روشن من در این مسیر. قلمش همیشه شفاف، تحلیلش بی‌طرف و نگاهش به آینده بود. ووصال روحانی... ستاره پرفرغ عرصه روزنامه‌نگاری که در غمش ماتم زده‌ایم. اسودای از اخلاق، متین، باوقار، توانمند و متواضعی بی‌نظیر. حضورش در دفتر، سکوتش، و حتی نگاه آرامش، درس انسانیت بود. بدون شک، در کردن در کنار این بزرگان روزنامه‌نگاری ورزشی، برای من بزرگترین افتخار بود. آنها فخر این عرصه بودند و هنوز هم هستند. و رفقای قدیمی؟! اگر بخواهم نام تمام آنها را بیاورم، در صفحات این روزنامه جا نمی‌شود! هر کد امتشان فصل زیبایی از خاطرات من و از تاریخ این روزنامه‌اند. همراهی‌هایی که هرگز فراموش نشدنی‌اند. البته امروز من دیگر در آن مسیر نیستم، ولی همیشه با غرور می‌گویم: من از ابتدای راه «ایران ورزشی» بودم. این رقم برای من یک در آستانه هشت هزارمین شماره، این رقم برای من یادآور هزاران صبح امید، هزاران شب بیداری و میلیون‌ها دل‌پسندی است که بین شما خوانندگان عزیز و این روزنامه‌ها شکل گرفته است. این رقم، نماد استمرار یک عهد است. آفرین بر این راه... آفرین بر همه کسانی که این راه را با عشق، صداقت و قلم سالم ساختن.

## اگر روزی فیلم فوتبالی بسازم درباره پرسپولیس خواهد بود تیرانداز: خاطره ایران-استرالیا از یادم نمی‌رود

### مصاحبه

**فریناز زمانی /** سیم تیرانداز بازیگر آرام و کم‌حاشیه سینما و تلویزیون، وقتی پای فوتبال وسط باشد به هواداری هیجانی و احساسی تبدیل می‌شود؛ پرسپولیسی متعصبی که با وجود فاصله گرفتن از تب‌وتاب فوتبال، هنوز خاطره صعود تاریخی ایران مقابل استرالیا به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه را با شور و شغف روایت می‌کند. او که سال گذشته با نمایش «جیمی جامپ» فساد در فوتبال را نشانه گرفته بود، حالا با صراحت از نگرانی‌اش برای کادرفنی تیم ملی و رؤیای ساخت فیلمی درباره پرسپولیس می‌گوید.

اول از همه تکلیف را روشن کنیم: استقلال یا هستنید یا پرسپولیسی؟ و تا چه اندازه فوتبالی؟ خوشبختانه با متأسفانه پرسپولیسی هستم. خیلی سواد فوتبالی ندارم اما مثل خیلی‌های دیگر طرفدار تیم ملی و پرسپولیس هستم. در یک برهه‌ای تیم‌های ملی آلمان و برزیل را خیلی دنبال می‌کردم

ولی الان بیشتر به تیم‌های داخلی علاقه‌مندم. در حال حاضر هیجان فوتبال کمی برای من زیاد است و به همین خاطر دیگر مثل قدیم آن را دنبال نمی‌کنم چراکه احساس می‌کنم تاب و توان این حجم از هیجان را ندارم. شما سال گذشته نمایش «جیمی جامپ» را روی صحنه داشتید که ارتباطی با فوتبال داشت. ایده این نمایش از کجا آمد و کدام جنبه فوتبالی برایتان جذاب‌تر بود؟

هدف من در نمایش جیمی جامپ اشاره به مقوله فساد بود. در آن روزها بسیار در مورد فساد فوتبال صحبت می‌شد و بخش مهمی از این نمایش هم مربوط به ناگفته‌های پرونده شهلا جاهد بود. به شخصه خیلی دوست داشتم در مورد اتفاقاتی که برای شهلا جاهد رخ داد، نمایشی روی صحنه ببرم ولی احساس کردم صرف اینکه نمایش جانی باشد برای تماشاگر جذاب نیست و به همین خاطر بخش فساد را به داستان شهلا جاهد پیوند زدم که حاصلش نمایش جیمی جامپ شد. البته که بحث فساد تنها در فوتبال نیست و در همه زمینه‌ها دیده می‌شود. من فکر می‌کردم بحث فوتبال برای تماشاگر جذاب باشد اما تا اندازه‌ای ما

را بابت این نمایش بایکوت کردند و خیلی هم به مذاق دوستان فوتبالی خوش نیامد که به فساد در فوتبال پرداختیم. وقتی بازی‌های مهم فوتبال پخش می‌شود، سیم تیرانداز به عنوان یک هوادار چطور واکنش نشان می‌دهد؟ هیجان زده، تحلیل گریا آرام؟ غالباً وقتی فوتبال پخش می‌شود هیجان زده و احساساتی عمل می‌کنم. فوتبال برای من حکم سرگرمی دارد و اصلاً اهل تحلیل آن نیستم و در این حیطه دخالتی ندارم. قرعه‌کشی اخیر جام جهانی فوتبال مردان را دنبال کردید؟ نظرتان درباره گروه ایران و تقابل با بلژیک، مصر و نیوزیلند چیست؟ شانس تیم ملی را برای صعود تا چه اندازه می‌بینید؟

من فکر می‌کنم قرعه تیم ملی راحت و خوب است اما تنها نکته نگران‌کننده، کادرفنی تیم ملی است و فکر می‌کنم بیشتر از هر چیزی به یک سرمربی خوب و کاربلد نیاز داریم. طی این سال‌ها هر زمان که سرمربی تیم ملی از نظر فنی سطح خوبی داشته و ملی پوشان با کیفیت تمرین کرده‌اند، نتایج خوب و آبرومندانه‌ای هم کسب شده است. اما درباره جام جهانی پیش رو بعد می‌دانم این اتفاق

بافتد و خیلی امیدوار نیستم. اگر قرار باشد یک نمایش دیگری فیلم سینمایی درباره فوتبال بسازید، داستانش را حول چه تیم یا چه لحظه‌ای انتخاب می‌کنید؟ از آنجایی که پرسپولیسی هستم اگر روزی فیلم بسازم حتماً در مورد پرسپولیس خواهد بود. آیا بازی فوتبالی خاصی در ذهنتان ماندگار هست که هیچ وقت فراموش نکرده باشید؟ یک بازی که واقعا شما را هیجان زده یا غافلگیر کرده باشد؟ خاطره بازی ایران و استرالیا و گل‌های معروف آن هنوز که هنوز است، برای من حس و حال عجیب و غریبی دارد. روز بازی ایران و استرالیا من تمرین تانکر داشتم و بعد از اتمام بازی و صعود ایران به جام جهانی، تمام مسیر خانه تا محل تمرین را پیاده رفتم چرا که مردم همه در خیابان‌ها مشغول شادی و پایکوبی بودند و این خاطره در ذهن من مانده است. فکرمی کنید دنیای فوتبال در ایران چقدر ظرفیت قصه‌گویی سینمایی دارد؟ و چرا تا امروز آثار کمی درباره فوتبال ساخته شده است؟ نمی‌دانم مخاطب تا چه اندازه فوتبال را دوست



فکر می‌کنم به غیر از مودی که گفتم تا به امروز فیلم یا کینیفی در مورد فوتبال ساخته نشده است. اگر قرار باشد یک بازیگر نقش یک فوتبالیست مشهور را بازی کند، شما دوست دارید بازی چه کسی را روی صحنه یا مقابل دوربین ببینید؟ کسی که از بطن فوتبال آمده باشد و به خوبی این حیطه را بشناسد قابلیت این را دارد که چنین نقشی را به درستی ایفا کند؛ شاید کسی مثل پژمان جمشیدی.

دارد. در حال حاضر خیلی نمی‌شود راجع به سینما صحبت کرد چرا که مذاق و سلیقه تماشاگر فرق کرده است. فوتبال یک مسأله کاملاً جدی است اما می‌شود تا حدودی طنز هم به آن نگاه کرد. ساخت فیلم‌های ورزشی نیازمند کارگردانی است که به خوبی در این حیطه تخصص داشته باشد. تا الان به جز فیلم سرعت آقای لطیفی کار قابل توجهی را در این حیطه به یاد نمی‌آورم. این فیلم بسیار خوب بود و هنوز در ذهن من باقی مانده اما من

